ادامه از صفحه ۲

روایت بشارتی از عصبانیت هاشمی در جلسه دولت

شما می‌گویید به هیچ تشکلی بدون اساسنامه و مرام‌نامه اجازه فعالیت نمی‌دهم اما جامعه روحانیت مبارز یک تشکل فعالی است که اساسنامه هم ندارد».سپس بلندگو را خاموش و جلسه را ترک کرد. بعد از خروج آقای هاشمی، تشنج و سروصدا به‌وجود آمد، همه عصبانی شدند و چشم‌هایشان یک کاسه خون بود. همه روی ما زوم کرده بودند و به ما چشم‌غره می‌رفتند. این‌قدر فضا مسموم شده بود که آقایان ولایتی و میرسلیم جرئت نکردند از من حمایت کنند... یک اتاقی کنار اتاق جلسه دولت بود که سه، چهارتا خط تلفن آزاد و دو، سه‌تا پارچ آب یخ داشت. من رفتم توی اتاق و در را قفل کردم، یک لیوان آب خوردم تا آرامشی در من ایجاد شود. پس از نیم‌ساعتی که قدم زدم، با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تماس گرفتم و گفتم: «از اینکه شما را عصبانی کردم معذرت‌خواهی می‌کنم و شما هم برابر قانون اساسی حق دارید وزیری که نمی‌خواهی را عزل کنی. مرا عزل کن چراکه بنده تا وزیر کشور باشم، اجازه فعالیت به کارگزاران را نخواهم داد». آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی گفت: «آنها هر حرفی می‌زنند بی‌خود می‌گویند، شما از رهبران انقلاب هستید و من هم بی‌جهت عصبانی شدم. بنده جبران می‌کنم و شما هم روی مواضع خود بایستید و به‌هیچ‌وجه کوتاه نیایید».«بشارتی» در ادامه گفته است: «بنابراین کسی بنده را از دولت بیرون نکرد. همین آقای هاشمی‌رفسنجانی از آقای غفوری‌فرد عصبانی شد و از هیأت دولت بیرونش کرد و حکمش را هم لغو کرد، غفوری‌فرد هم هرگز به دولت نیامد». او درباره نگاه «هاشمی» به حجاب هم گفته است: «من در مجلس اول عضو هیأت‌رئیسه و مسئول امنیت کشور بودم. بخش‌نامه کردم که مثلا خانم‌ها باید با حجاب در انظار حضور داشته باشند. آقای هاشمی بخش‌نامه را دیدند و گفتند آقای بشارتی اینها قبل از انقلاب بی‌حجاب بودند بعد شما گفتید با چادر بیایند؟ اینها اگر با روسری هم آمدند شما قبول کنید. آقای هاشمی دموکرات بود و مثلا می‌گفت: «نگذارید علیه نهضت آزادی جو ایجاد شود. زیرا زمانی یک گروهی از قم آمدند و با طبل و شیپور علیه بازرگان در قسمت میهمانان مجلس تبلیغ می‌کردند. ضمن اینکه ایشان نقش بسیار زیادی در عزل بنی‌صدر داشت ولی درعین‌حال با دکتر عزت‌الله سحابی، ابراهیم یزدی و صباغیان مماشات داشت».

ناگفته‌های استعفای جوان‌ترین عضو خبرگان

مرجان توحیدی

حسن نمازی، جوان‌ترین عضو مجلس خبرگان رهبری است که با طرح درخواست استعفای خود از عضویت در خبرگان، شاید یکی از خبرسازترین چهره‌های اجلاسیه دوره هجدهم این مجلس بود. در ابتدا خبری درباره علت استعفا منتشر نشد. اما روز گذشته، او در گفت‌وگو با «ایرنا» درباره علت استعفای خود مطالبی را طرح کرد. نمازی در این گفت‌وگو اشاره کرده بود «صبح چهارشنبه قبل از آغاز روز دوم اجلاسیه، مکالمه‌ای بین من و آیت‌الله جنتی صورت گرفت که همان‌جا تصمیم به استعفا گرفتم». با حسن نمازی، نماینده آذربایجان غربی در خبرگان، برای توضیحات بیشتر گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم. نمازی متولد سال ۵۴ است و از سال ۱۳۸۵ یعنی ابتدای دوره چهارم مجلس خبرگان، از آذربایجان‌غربی وارد این مجلس شده است. نمازی فرزند آیت‌الله عبدالنبی نمازی، نماینده ولی‌فقیه و امام‌جمعه شهر کاشان است. او می‌گوید که سال ۸۵ و به توصیه مقام‌معظم‌رهبری همراه پدر خود به کاشان رفته و دفتر او را تأسیس کرده و ریاست آن را به عهده می‌گیرد. بعد از آن اما حضورش در کاشان کم‌رنگ می‌شود. علت این موضوع را در گفت‌وگو با «شرق» این‌گونه بیان می‌کند: منزل من قم بود. به تهران هم تردد زیادی داشتم و به واسطه همین ترددها مجبور بودم تا تردد به کاشان را کم‌رنگ کنم. او اختلاف نظر سیاسی با پدرش را که علت این حضور کم‌رنگ شده بود، تکذیب می‌کند و می‌گوید که هنوز با پدرم ارتباط دارم. اما به دلیل همان مسافت، کاشان را رها کردم. یکی از فعالان سیاسی شهر کاشان به «شرق» می‌گوید هنگامی که رئیس دولت اصلاحات مرداد ماه سال ۸۶ و به مناسبت ۱۳ رجب برای سخنرانی در میان مردم به کاشان سفر کرده بود، آقای حسن نمازی در قمصر به دیدار او رفته بود. به نظر می‌رسد که او روحانی اعتدال‌گرایی باشد. ماحصل این گفت‌وگو را در پی می‌خوانید.

چه اتفاقی افتاد که منجر به شکل‌گیری دیالوگ شما و آقای جنتی شد؟ مشغول صحبت بودید یا آنکه نسبت به فعالیت‌های شما موردی را دیده بوده و خواسته بودند تا تصمیماتی را بگیرند؟

به‌هرحال در سال‌های گذشته خصوصا بعد از روی‌کارآمدن دولت جدید علامت سؤال‌هایی درباره بعضی از رفتارها و گفتارهای من برای بعضی از اعضای خبرگان پیش آمده بود. طبیعی بود که من بخواهم بعضی از آنها را توضیح بدهم. این دیالوگ براساس توضیح این مواضع و رفتارها شکل گرفت.

یعنی به‌عنوان مثال نسبت به برخی مواضع سیاسی شما نظرات خاص خود را داشتند؟

درواقع از مواضع و رفتارهای سیاسی من برداشت‌هایی شده بود که من آنها را درست نمی‌دیدم.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

فکر می‌کنم کافی باشد. برداشت‌های نادرستی از رفتارهای سیاسی من شده بود و من فکر می‌کنم این حق را داشتم که بتوانم آنها را توضیح بدهم.

که ظاهرا همان‌جا از شما پرسش می‌شود و بعد هم این دیالوگ در می‌گیرد... .

پرسش که نه. گفتم که پیش‌داوری و قضاوت قبلا صورت گرفته بود. درواقع من فرصتی برای ارائه توضیح هم پیدا نکردم.

ماجرای استعفا چگونه پیش آمد؟ گفته‌اید که دو نفر از اعضای هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان از شما خواسته‌اند که استعفای خود را پس بگیرید. ممکن است بگویید این دو نفر چه کسانی بودند و البته استدلال آنها برای بازپس‌گیری استعفا چه بود؟

من در گفت‌وگویی که قبلا داشتم، اشاره کردم که دو نفر از اعضای هیأت‌رئیسه خبرگان به‌طور جداگانه با من صحبت‌هایی داشتند. یکی از آنها تلویحا این را گفت که آنچه به صلاح می‌دانیم، این است که استعفا را پس بگیرید و اگر سوءتفاهمی هست، در یک جلسه دونفره با آقای جنتی که خود ایشان هم ابراز تمایل کرده‌اند، بررسی شده و دغدغه‌های من برطرف شود.

شما گفتید که ضمانت اجرائی برای اظهارات آقایان پیدا نکرده‌اید؟

من ضمانت اجرائی برای رفع دغدغه پیدا نکردم. بیشتر یک نوع گفت‌وگو بود تا دغدغه‌های من برطرف شود.

یعنی استعفای خود را پس نگرفتید؟

درواقع من استعفای خود را پس نگرفتم. استعفا باید طبق قانون توسط هیأت‌رئیسه اعلام‌وصول شده و به صحن علنی می‌آمد. اما هیأت‌رئیسه خبرگان استعفا را قبول نکرد و به من گفتند که فرصتی باقی نمانده است. این در حالی بود که من استعفای خود را ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز دوم اجلاسیه تقدیم کرده بودم. تقریبا کارهای مجلس انجام شده بود و من فکر می‌کنم که فرصت وجود داشت.

علت مخالفت با وصول استعفای شما چه بود؟

اصل مسئله استعفای من قرار نبود رسانه‌ای شود. فعالیت من در ۹ سال گذشته، رسانه‌ای نشده بود. تنها از طریق سایت دبیرخانه خبرگان نطق‌های من منتقل می‌شد. از طرفی دوستان هم تحفظ داشتند که این مسئله رسانه‌ای نشود؛ نه دیالوگ من با آقای جنتی و نه آنهایی که با من صحبت کردند. معتقد بودند که آقایان دلخور می‌شوند و توصیه بزرگان نظام هم این بود که بیشتر از این، ماجرا منتشر نشود. اما از آنجا که اصل موضوع رسانه‌ای شد و من متوجه شدم که برخی رسانه‌ها مسئله را دنبال می‌کنند، مجبور شدم که با بعضی از رسانه‌ها صحبت کنم.

البته اصرار دارید تا درباره دیالوگ ردوبدل‌شده بین خود و آقای جنتی صحبتی نکنید. لطفا این را بفرمایید که چه دغدغه‌ای بعد از صحبت شما و آقای جنتی برایتان ایجاد شد که تصمیم به استعفا گرفتید؟

باید بگویم از وقتی که وارد مجلس خبرگان شدم، فکر می‌کردم، این فرمایش امام که مجلس خبرگان، تقویت رهبری است، قابل‌قبول و فرمایش مقبولی است. بعدا به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهم به این فرمایش عمل کنم، با خیلی‌ها اختلاف‌سلیقه پیدا می‌کنم. بنابراین اگر بخواهیم به لوازم و معنای این فرمایش نزدیک شویم، دچار سوءتفاهم می‌شدیم. از حرف‌های آقای جنتی این استفاده؛ با این نگاهی که توضیح دادم، برداشت می‌شد و به نظر می‌رسید که به فعالیت‌های ثابت من نگاه کرده و برای آینده هم به این صورت نگاه می‌کند. براین‌اساس هم دغدغه زیادی را برای من ایجاد کرده است.

یعنی ان‌قلت‌هایی را درباره فعالیت و گرایش سیاسی شما داشتند؟

بله.

بعد از آن گفت‌وگوی دونفره شما، ایشان چه پاسخی داشتند؟

مجاب نشدند. درواقع فرصتی ندادند که توضیحی برای ایشان ارائه کنم. به نظر می‌رسید که ایشان قضاوت خود را کرده و بر همان اساس هم تصمیماتی را نسبت به آینده گرفته بود. من هم برای رفع این دغدغه به راه‌حل قانون و سازوکاری که در آیین‌نامه است، مراجعه کردم.

فحوای وعده‌هایی که دو نفر از اعضای هیأت‌رئیسه به شما دادند، چه بود؟

این قول مستقیما به همان دیالوگ برمی‌گردد که نمی‌خواهم بیان شود.

شما چه تصمیمی گرفتید؟

من تا بهمن‌ماه منتظر هستم که ببینم آقایان به قول‌هایی که داده‌اند، عمل می‌کنند یا خیر. به‌هرحال اسفندماه، زمان برگزاری انتخابات است و انتخابات هم مقدماتی دارد. بعد از برگزاری انتخابات، ببینم این قول‌ها عملی می‌شود یا خیر.

استدلال جلسه هیأت‌رئیسه خبرگان برای نپذیرفتن استعفا چه بود؟

در آن جلسه ۱۴، ۱۵ نفر از اعضای خبرگان به‌اضافه آقای جنتی و بزرگان دیگر بودند. قرار نبود من در آن جلسه باشم. بلکه قرار بود تنها با آقای جنتی صحبت شود. بعد از آن جلسه دو، سه نفر از آقایان با من صحبت کردند. من دیالوگ ردوبدل‌شده بین خودم و آقای جنتی را برای آنها گفتم. آنها به من گفتند که شما فعلا اقدامی نکنید. ما صحبت می‌کنیم و نتیجه را به شما می‌گوییم.

خب در نهایت معلوم نشد که به چه دلیل مانع اعلام‌وصول استعفا شدند؟

من در آن جلسه نبودم. اما صحبت‌هایی که مطرح می‌شود درباره آن جلسه، این بود که شأن خبرگان خیلی بالاست و این استعفا ضربه‌ای را به این شأن وارد می‌کند.

به شما نگفتند که تا چه زمانی نتیجه را به شما اعلام می‌کنند؟

تا زمان برگزاری انتخابات، طبعا عملکرد شورای نگهبان و افراد دیگر مشخص می‌شود.

شما می‌خواهید برای دور بعدی خبرگان کاندیدا شوید؟

بستگی دارد به اینکه جای کار باشد یا نه.

خب این چگونه مشخص می‌شود؟

این حادثه‌ای که واقع شد، باعث شد تا من یک پیش‌بینی نسبت به آینده داشته باشم.

پیش‌بینی شما چیست؟

اجازه بدهید، آینده موضوع را مشخص می‌کند.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● کارمند شرکت پالایش و پخش هستم. کسورات صندوق بازنشستگی نفت که همه‌ماهه از ما کسر شده و از همان محل به ما وام داده می‌شود، هم‌اکنون با وجود کسر به‌صورت ماهانه از پرسنل وزارت نفت، جلو وام‌های مذکور توسط صندوق بازنشستگی نفت گرفته شده است. مسئولان پاسخ دهند پول‌هایی که از پرسنل کسر شده چرا به صندوق بازنشستگی نفت منتقل نشده و کجا و با چه مجوزی این پول متعلق به پرسنل نفت، هزینه شده است؟ آیا درست است که پول‌های مکسوره کارمندان، جای دیگری خرج شود و حالا صندوق بازنشستگی جلو تمام وام‌های مسکن و پس‌انداز را بگیرد؟

● با توجه به تخریب پل طالقانی ماهشهر و انتقال ترافیک شهر به خیابان ۲۲بهمن، پیشنهاد می‌شود شهرداری با بهبود آسفالت کوچه بیگلری و پاکبان مقداری از بار ترافیک را به بلوار طالقانی انتقال دهد.

● چه خوب است دولت برای بازنشستگان قدیم فکری بکند. بازنشسته‌ای هستم که با وجود داشتن لیسانس، یک‌میلیون‌و ۱۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. امیدوارم دولت فکری به حال ما کند.

● جانباز هستم قبلا در بنیاد جانبازان بیمه طلایی بودم. مدتی است بیمه ما را قطع کرده‌اند. از مسئولان تقاضا داریم حداقل پاسخی به ما بدهند.

● جاده ایرانشهر به مهرستان در استان سیستان‌وبلوچستان یکی از خطرناک‌ترین جاده‌های کشور است. این جاده در دهه ۴۰ بازگشایی شده، ولی تاکنون فقط یک‌بار آسفالت شده است؛ اما هیچ‌وقت عریض نشده، حتی روکش هم نشده است. تلفات جاده‌ای در سیستان‌وبلوچستان بالاتر از متوسط کشوری است و تعداد زیادی از اینها مربوط به همین جاده‌ای است که مواصلات ایرانشهر به سه شهرستان مهرستان، سوران و سراوان هم از همین مسیر انجام می‌شود. خواهش می‌کنم حداقل به مسئولان وزارت راه گوشزد کنید به این جاده توجه کنند. بنده در هیچ جای ایران چنین جاده خطرناک و خرابی ندیده‌ام.